



ویژه نامه همایش علماء و روحانیت تشیع و تسنن



« تکفیری ها و عبودیت در مقابل طواغیت »



سوءاستفاده از اختلافات فکری و اعتقادی مذاهب گوناگون اسلامی و اختلاف افکنی بین آنان همواره یکی از برنامه های ثابت استعمارگران و مستکبرین جهت تضعیف جهان اسلام و کسب منافع نامشروع بوده است. در سالیان اخیر و به خصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی و شدت گرفتن امواج بیداری اسلامی در اقصی نقاط جهان اسلام فعالیت های گروه های تکفیری و اقدامات آنان علیه مسلمانان بیشتر شده است. آنچه در ادامه می آید گزیده ای از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در رابطه با ویژگی های گروه های تکفیری و آثار سوء عملکرد آنان در جهت منافع دشمنان جهان اسلام است:



جهالت مهم ترین خصوصیت تکفیری هاست

آن کسانی که بدون فهم حقیقت، بدون تقوا، جمعیت عظیمی از مسلمانان را از دین خارج می دانند، خارج می کنند، تکفیر می کنند این گروه های تکفیری نادان - حقیقتاً مناسب ترین صفت برای اینها نادانی است، اگرچه در آنها خباثت هم هست، اما جهالت مهم ترین خصوصیت اینهاست - اینها را بایستی ما تا آنجایی که می توانیم، ارشاد کنیم؛ مردم را از اینها بترسانیم که مردم ما « وَ لَتَصْغِي إِلَيْهِ أَفْنَدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَ لِيَرْضَوْهُ وَ لِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ »^(۱) بعضی ها به خاطر ضعف ایمان، به خاطر ضعف معرفت، مجذوب این حرف های دشمنان می شوند. ما باید مراقبت کنیم. وظیفه ی علما، وظیفه ی سنگینی است. امروز وحدت دنیای اسلام، یک هدف اعلاست که اگر این وحدت حاصل شد، آن وقت دنیای اسلام حقیقتاً می تواند به عزت کامل و عمل به احکام اسلامی دست پیدا کند؛ می تواند این کار را هم بکند. هم دولتها باید کمک کنند، هم ملتها باید کمک کنند.

بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۸۵/۱۰/۲۵

عبودیت در مقابل طواغیت زنده را شرک نمیدانند!

تلخی دیگری که وجود دارد، این است که در میان مجموعه ی مسلمانان و امت اسلامی کسانی پیدا شوند که با افکار پلید و متحجر و عقب مانده و خرافی خود، تجلیل از بزرگان و برجستگان و چهره های نورانی صدر اسلام را شرک بدانند، کفر بدانند؛ واقعاً این مصیبتی است. اینها همان کسانی هستند که گذشتگان شان قبور ائمه (علیهم السلام) را در بقیع ویران کردند. آن روز که در دنیای اسلام، از شبه قاره ی هند گرفته تا آفریقا، علیه اینها قیام کردند، اگر اینها جرأت میکردند، قبر مطهر پیغمبر را هم ویران میکردند، با خاک یکسان میکردند. ببینید چه فکر باطلی، چه روحیه ی پلیدی، چه انسانهای بداندیشی، احترام به بزرگان را اینجوری بخواهند نقض کنند و هتک کنند و این را جزو وظائف دینی بشمرند! در آن وقتی که اینها بقیع را ویران کردند، این را بدانید؛ سرتاسر دنیای اسلام علیه اینها اعتراض کرد. عرض کردم؛ از شرق جغرافیای اسلام - از هند - تا غرب جغرافیای اسلام، علیه اینها بسیج شدند.

اینها به عنوان اینکه این کارها پرستش است، این اقدام های خبیث را میکنند! رفتن سر قبر یک انسانی و طلب رحمت کردن برای او از خدای متعال، و طلب رحمت کردن برای خود در آن فضای معنوی و روحانی، شرک است؟ شرک این است که انسان بشود ابزار دست سیاست های اینتلیجنس انگلیس و سی.ای.ای آمریکا و با این اعمال، دل مسلمانان را غمدار کند، آزرده کند. اینها اطاعت و عبودیت و خاکساری در مقابل طواغیت زنده را شرک نمیدانند، احترام به بزرگان را شرک میدانند! خود این، یک مصیبتی است. جریان تکفیری خبیث که امروز در دنیای اسلام به برکت برخی از منابع مادی، متأسفانه پول و امکانات هم در اختیار دارند، یکی از مصائب اسلام است.

۱. سوره مبارکه الأنعام آیه ۱۱۳



موساد



شین بت



ام آی ۶



سیا

گروه های تکفیری ابزار دست سرویس های جاسوسی دشمنان

سرویسهای جاسوسی امریکا و اسرائیل پشت سر این گروههای افراطی و تکفیری هستند، ولو عوامل و پیاده نظامشان هم خبری ندارند که پشت سر قضیه چیست؛ اما رؤسایشان می دانند. این را آمریکا می خواهد. لذا آنها هم بایستی بیدار و متوجه باشند. امروز بیداری اسلامی و حرکت به سمت دستیابی به ارزشهای والای اسلامی، یک جان تازه ای گرفته است. در همه ی دنیای اسلام، بخصوص جوانها، باسوادها، دانشگاهیها، دانشجویها، طبقه ی فهمیده و همه ی عامه ی مردم، میلشان به اسلام و حاکمیت ارزشهای اسلامی، با سی، چهل سال قبل قابل مقایسه نیست. بیداری اسلامی شروع شده است. آنها هم از همین می ترسند؛ می خواهند همین را نابود کنند.

بیانات مقام معظم رهبری در ۱۳۸۵/۱۰/۱۸

تکفیری ها و کمک به رژیم صهیونیستی

[دشمنان اسلام] خوب فهمیدند که اگر در دنیای اسلام مذاهب اسلامی گریبان یکدیگر را بگیرند و کشمکش با همدیگر را شروع کنند، رژیم غاصب صهیونیست نفس راحتی خواهد کشید؛ این را خوب فهمیدند، درست فهمیدند؛ لذا از یک طرف گروه های تکفیری را به راه می اندازند که نه فقط شیعه را تکفیر کنند، بلکه بسیاری از فرق اهل سنت را هم تکفیر کنند؛ از آن طرف هم یک عده مزدور را به راه بیندازند که برای این آتش هیمه فراهم کنند، بنزین روی آتش بریزند.

بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۹۲/۰۶/۲۰

تجبر و خشونت باعث ترویج سکولاریزم خواهد شد

«سلفی گری» اگر به معنای اصولگرایی در کتاب و سنت و وفاداری به ارزشهای اصیل و مبارزه با خرافات و انحرافات و احیاء شریعت و نفی غربزدگی باشد، همگی سلفی باشید؛ و اگر به معنای تعصب و تجبر و خشونت میان ادیان یا مذاهب اسلامی ترجمه شود، با نوگرایی و سماحت و عقلانیت - که ارکان تفکر و تمدن اسلامی اند - سازگار نخواهد بود و خود باعث ترویج سکولاریزم و بی دینی خواهد شد.

به اسلام مطلوب واشنگتن و لندن و پاریس بدبین باشید؛ چه از نوع لائیک و غربگرا، و چه از نوع متحجر و خشن آن. به اسلامی که رژیم صهیونیستی را تحمل میکند، ولی با مذاهب اسلامی دیگر بیرحمانه مواجه میشود، دست آشتی به سوی آمریکا و ناتو دراز میکند، ولی در داخل به جنگهای قبیله ای و مذهبی دامن میزند و اشداء با مؤمنین و رحماء با کفار است، اعتماد نکنید. به اسلام آمریکائی و انگلیسی بدبین باشید، که شما را به دام سرمایه داری غرب و مصرف زدگی و انحطاط اخلاقی میکشانند.

بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۴



باید این سم را از محیط اسلامی خارج کرد

امروز کسانی هستند که سلاحشان تکفیر است؛ ابائی هم ندارند که بگویند ما تکفیری هستیم؛ اینها سم اند. خب، این سم را باید از محیط اسلامی خارج کرد. یکی او را تکفیر کند، یکی او را تفسیق کند؛ این در سخنرانی و در منبر یک حرفی بزند که تعریض به او باشد، او یک چیزی بگوید که تعریض به این باشد؛ این همین چیزی میشود که دشمن میخواهد.

بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۹۰/۰۷/۲۰

سرنوشت در هم تنیده شیعه و سنی

این نوع از پیوستگی، روندی از صیوروت و پویش ویژه را در پیش گرفته است که باید گفت هنوز مشخصه‌های کامل و دقیقی از این صیوروت در دست نیست. این نوشتار به بحث از این نوع نظر ندارد، بلکه توجهش به نوع دوم پیوستگی است که سرنوشت اقوام، ملت‌ها و اتباع مذاهب اسلام را هدف گرفته است.

از این گونه می‌توان به «پیوستگی اسلامی در سرنوشت» یاد کرد. پیدایش این پیوستگی رو به پیش، دلائل مختلفی دارد. قوی‌ترین این دلائل آن است که اسلام حامل بار «تمدن تفهیمی گسترده» است؛ یعنی تمدنی که از رهگذر اجتهاد (تلاشی تفهیمی و دارای چهارچوب، روش و منابع مشخص) صیوروت و تعامل خود را با عرصه‌های انسانی شکل می‌دهد.

سوم: بروز و نمودهای «پیوستگی در سرنوشت اسلامی»

چند صباحی است که پدیده‌ی «پیوسته‌تر شدن سرنوشت ملت‌های مسلمان به یکدیگر» اقتضات خود یا حداقل نشانه‌های آن را پیایی و همراه با روندی رو به افزایش و با چهره‌ای جدی و رهای از هر گونه تعارف و تسامح به بیرون آشکار می‌کند. این اقتضات را می‌توان این‌گونه توصیف کرد:

غیر ممکن شدن رهاسازی سرنوشت هر مذهب از سرنوشت امت: به این معنی که شیعه و سنی دو ستونی هستند که سقفی را برپا داشته‌اند که همانا سقف امت اسلام است. نبود یکی از این دو ستون، وضعیت سقف را به خطر می‌اندازد و ستون دیگر را نیز فاقد کارکرد با تمام ظرفیت خود می‌کند.

غیر ممکن شدن جداسازی سرنوشت اتباع هر مذهب (به عنوان بخشی از امت) از سرنوشت اتباع مذهب دیگر: اگر اقتضای اول (پیوند سرنوشت اتباع هر یک از شیعه و سنی به سرنوشت امت و اسلام) را بپذیریم، لاجرم باید به درهم‌تنیدگی دو سرنوشت اتباع دو مذهب شیعه و سنی اذعان کنیم.

سرایت خدشه‌های وارده به سرنوشت هر یک از دو بخش امت به بخش دیگر امت: اگر آسیبی از سوی بدخواهان متوجه یک بخش از امت شود - خواه آن بخش شیعه باشد یا سنی - ناخودآگاه و در کوتاه‌مدت یا میان‌مدت و قطعاً در درازمدت به طرف دیگر هم آسیب خواهد زد.

خودزنی کردن هر یک از شیعه و سنی در صورت تلاش علیه دیگری: به این معنی که اولاً هرگونه تحقیر یکی نسبت به دیگری متضمن «خودتحقیری» است. ثانیاً قداست‌زدایی هر یک از دیگری متضمن «قداست‌زدایی از خود» است. به این معنی که مثلاً به همین‌جا راه خواهد برد و به تعبیر دیگر، اجماع مرکبی را در نفی قداست‌های مسلمانان در عرصه‌ی گیتی عملاً به راه خواهد انداخت. ثالثاً تلاش هر یک برای به حاشیه بردن دیگری، به حاشیه راندن امت اسلامی است که خود مذهب تلاش‌کننده نیز بالتبع درون آن قرار دارد.

لازم و تقارن «شیعه‌هراسی» و «سنی‌هراسی»: تزریق ادبیات شیعه‌هراسی و سنی‌هراسی از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی به فضای مناسبات شیعی و سنی، از عمیق‌ترین چهارچوب‌های مفهومی و کارآمدترین برش‌های فکری است که توان بالایی را در شکستن نگاه‌های کلیشه‌ای و سطح‌اندیشانه از یک طرف و نیز منعکس نمودن خطری را در خود جای داده که در کمین مناسبات اسلامی نشسته است.

یکم: سه اشتراک کلان بین شیعه و سنی

فراتر از تمامی مشترکات ریز و درشت تشیع و تسنن در حوزه‌های فکری، فرهنگی و علمی، سه مقوله‌ی مهم در این میان جایگاهی محوری‌تر را به خود اختصاص داده است. ویژگی این سه مشترک آن است که توجه و تمرکز بر آنها به ایجاد پیوندی انکارناپذیر، زوال‌ناپذیر و گسست‌ناپذیر بین شیعیان و سنیان می‌انجامد. این سه اشتراک کلان از این قرار است:

۱. ورود هر دو گروه به فضای اسلام از دروازه‌ی شهادتین: تنها معیاری که عنوان مسلمان بودن را بر شیعیان و سنیان قابل انطباق می‌کند، شهادتین است. در واقع این اولین و مهم‌ترین نقطه‌ی اشتراک آنها است که هر دو را به یک اندازه وارد اسلام می‌کند و به آنها اعتبار مسلمانی می‌بخشد.

۲. هویت اسلامی: جوشیدن هویت اسلامی برای شیعه و سنی از سرچشمه‌ی سه تلاش است؛ «انتساب به اسلام»، «افتخار به اسلام» و «اصرار بر عزت اسلام». این اشتراک مهم شیعیان و اهل سنت به دلیل دو خصلت کلان بودنش و نیز پویایی و زایشی بودن آن، ظرفیت پر دامنه‌ای را ایجاد کرده است. ظرفیتی که می‌تواند از یک طرف به خاستگاهی برای ایجاد حرکت‌های همگرایانه‌ی جدی‌تری بین شیعه و سنی باشد و از طرف دیگر، نقشی چهارچوب‌بخش، قالب‌بخش و کنترل‌بخش را نسبت به این حرکت‌ها در جهت رهیدن از تعصب ویرانگر و بازدارنده ایفا نماید.

۳. اشتراک در نقش حفظ امت اسلامی به عنوان امت: امکان و ایفای نقش برپاداری امت اسلامی و حفظ آن توسط سنی و شیعه، از دل یک منطق برمی‌خیزد: اولاً هر کدام جزئی از این امت هستند و ثانیاً بدون حضور و نقش آفرینی همزمان هر دو، امت قوام نمی‌یابد و لباس وحدت بر تن نمی‌پوشد.

دوم: افزوده‌شدن یک اشتراک کلان جدید

امروزه امواج جهانی‌شدن به سرعت فراگیر می‌شود و حوزه‌های مختلف را درمی‌نوردد. مواجهه با واقعیت دنیایی که شتابان در حال جهانی‌شدن است، نباید منفعلانه باشد. رویکرد انفعالی نه تنها ما را از مزیت‌های دوران جدید در راه بسط اندیشه‌های خود محروم می‌سازد، بلکه به شیوه‌ای فزاینده انزوا را در عرصه‌های مختلف دامن می‌زند. در واقع فضای جهانی‌شده یک بازار تعامل را پیش کشیده است که در صورت استفاده‌ی مناسب می‌تواند به گسترش اندیشه‌ها و معارف اسلامی و برقراری وحدت اسلامی بینجامد.

به هر حال، پیدایش «وضعیت‌های در هم تنیده و به یکدیگر گره‌خورده» ویژگی دوره‌ی جدید و محصول و مولود گسترش سریع و شتابان ارتباطات در سطوح مختلف است. در چرخه‌ی این درهم‌تنیدگی بی‌سابقه، مقولات بسیاری به صورت ویژه‌تری گره‌خوردن میان خود را به رخ می‌کشند. از جمله این مقولات که به سمت درهم‌تنیدگی بیشتر شتاب گرفته است، مقوله‌ی سرنوشت ملت‌ها است.

در این میان می‌توان دست کم به دو نوع «پیوستگی سرنوشتی» اشاره کرد؛ یکی پیوسته‌تر شدن هر چه بیشتر سرنوشت ملت‌ها به یکدیگر در سطح جهان که از آن می‌توان به «پیوستگی جهانی در سرنوشت» یاد کرد.

که در بخش دیگر این امت در حال رخ دادن است و بکوشد آسیب‌هایی را خنثی کند که متوجه بخش دیگر اسلام است.

چهارم: چه باید کرد؟

۱. **افزودن بر احساسات و تعاملات:** در این شرایط باید به سرعت به سمت افزودن بر «احساسات محبت‌زا» و گسترش بخشیدن به «ارتباطات تعامل ساز» میان شیعه و سنی حرکت کنیم. برای تقویت احساس‌های عاطفی، زمینه‌های پرابتکار بسیاری وجود دارد که مهم‌گذاشته شده‌اند. مناسب‌ترین حج در نقطه‌ی کانونی این زمینه‌ها قرار دارد. حج اصولاً تمرین ایجاد و تقویت هم‌احساسی بین مسلمانان نسبت به یکدیگر است. حج بزرگ‌ترین برنامه‌ای است که در اسلام به صورت معجزه‌آسایی تعبیه شده تا بتواند مسلمانان را مکرراً در فضایی فارغ از هرگونه تعلقات، به سمت کسب بیشترین عواطف انسانی-معنوی و گسترده‌ترین روابط اخلاقی-الهی میان خود حرکت کنند و خود را از این حیث در مسیر تحول‌یابی و تولدپذیری مدام قرار دهند.

امت در حج و با داشتن چنین رویکرد اصیلی نباید شاهد وجود هراس میان خود و نسبت به خود باشد، بلکه باید امکانات احساسی انباشته در حج را به سمت هراس‌زدایی بارور سازد.

۲. **تعیین خط قرمزها در مناسبات جهان اسلام:** صرف آگاهی از خطر کافی نیست؛ باید به خشکاندن زمینه‌های هراس‌افکنی‌های متقابل همت گماریم. باید مصلحت اصلی را در سرنوشت اسلام و امت اسلام متبلور ببینیم و آن را به عنوان خط قرمز و اصل اساسی لازم‌الرعیه در همه‌ی فعالیت‌ها و راهبردهای خود بدانیم. باید اذعان کنیم که اسلام اکنون بر سر یک دوراهی بزرگ قرار گرفته که می‌تواند با وحدت کلمه، بسط و نفوذ پیدا کند و فرصت‌های نهفته (یا در حال تولد) در صیورتهای جهانی را به نفع خود برای حضوری پرتکاپو، پیشرفتی خیره‌کننده، قوت و قدرتی متعالی رقم زند و در مسیر انسانی‌سازی جامعه‌ی جهانی و متعادل ساختن روندهای جهانی، نقش اساسی ایفا کند. در غیر این صورت نه تنها توان ایفای نقش را از دست خواهد داد، که در مسیر انزوا نیز پیش خواهد رفت.

۳. **دخالت عقلای امت:** صدها امکان فکری و عملی در مقابل امت صف کشیده‌اند که می‌توانند خاستگاه‌های مطلوبی برای حرکتی همگرایانه قرار گیرند. در شرایط کنونی اقدام عقلای امت بر ایجاد کوشش متمرکز و متراکم نسبت به ایجاد حسن ظن متقابل، نقطه‌ی عطفی را در تحول در روابط شیعه و سنی شکل خواهد داد.

و صد البته این همه به شرط آن است که به لوازم چنین حرکتی تن دهیم. در این چهارچوب دخالت سریع عقلای شیعه و سنی به منظور عقد میثاق‌های جهان اسلامی ضرورتی غیر قابل انکار پیدا کرده است و سهل‌انگاری در این زمینه به معنی از دست رفتن فرصت‌های بزرگ است. اعاده‌ی این فرصت‌ها حتی اگر بعداً امکان‌پذیر گردد، به معنی اعاده‌ای است که پس از انقضای وقت و ایجاد هزینه‌های بسیار و کمرشکن برای امت رخ می‌دهد.

تلازم و تقارن بین این دو مقوله در سه سطح وجود دارد:

الف) در سطح تحقق و شکل‌گیری بیرونی

ب) در سطح هدف‌گزینی؛ به این معنی که هر دو، یک هدف را پی‌می‌گیرند. امروزه اسلام‌هراسی یکی از پدیده‌های حاصل از اراده‌ی بدخواهان علیه اسلام است. مخاطب اسلام‌هراسی - که یک پروژه است و نه یک پروسه - افکار عمومی جهانی است. کوشش دشمنان بر این است که افکار عمومی جهانی نگاهی بدبینانه نسبت به اسلام پیدا کنند. در ذیل اسلام‌هراسی، زنجیره‌ای از هراس‌ها جای گرفته که همه در ارتباط با اسلام‌هراسی است؛ از جمله ایران‌هراسی و عرب‌هراسی. به بیان دیگر، راهبرد ایجاد هراس نسبت به اسلام همانا ایجاد هراس‌هایی است درون فضای امت اسلامی که بر اساس آن، بخشی نسبت به بخش دیگر دچار هراس شدید گردد.

در این میان آن چیزی که به عنوان حرکت جدی‌تر در حال تعقیب است، شیعه‌هراسی و سنی‌هراسی با این رویه و برای رساندن مخاطبان به این نتیجه‌ی نادرست است که: شیعه‌هراسی موطن افکار عمومی مسلمانان سنی مذهب، و سنی‌هراسی موطن دیدگاه‌ها و ذهنیت‌های شیعیان است. این در حالی است که شیعه‌هراسی و سنی‌هراسی دو روی یک سکه‌اند که همان اسلام‌هراسی است. هراس‌های متقابل، هرکدام را به فکر سرنوشت خاص خود می‌اندازد. در نتیجه از این حقیقت غفلت می‌ورزند که سرنوشت مشترکی برای هر دو در قالب امت اسلام شکل گرفته است و این چنین تمرکز بر خرده‌سرنوشت‌ها باعث ایجاد فاصله‌های بزرگ میان امت اسلام از یکدیگر خواهد شد. آن چه که به عنوان خروجی این وضعیت در دو اردوگاه شیعه و سنی اتفاق می‌افتد، این است که هر دو سرنوشتشان مخدوش و معیوب خواهد شد و لذا امت اسلامی به جای این که در مسیر رشد و نمو حرکت کند، در مسیر انزوا و عدم پیشرفت جهانی قرار می‌گیرد.

اید اذعان کرد که شیعه‌هراسی و سنی‌هراسی دو پدیده‌ای است که زمینه‌های داخلی به تقویت، موفقیت و فعال شدن آن مدد می‌رساند. اگر فعالیت‌ها و اعمال غیر مسئولانه در هر یک از دو اردوگاه شیعه و سنی انجام گیرد، به ایجاد یا تقویت زمینه‌های رشد هراس در طرف مقابل منتهی می‌شود.

ابعاد اسلام‌هراسی در غرب با گذشت زمان و در صورت عدم کنترل آن توسط مسلمانان در آینده بیشتر خواهد شد و راه آن از شیعه‌هراسی و سنی‌هراسی در جامعه‌ی اسلامی می‌گذرد. شیعه‌هراسی، سنی‌هراسی، ایران‌هراسی و عرب‌هراسی، زنجیره‌هایی به هم پیوندخورده‌ای هستند که همگی راه به اسلام‌هراسی می‌برند و درون آن تعریف می‌شوند.

ج) در مرحله‌ی نتیجه‌بخشی؛ به این معنی که هر یک از دو هراس (شیعه‌هراسی و سنی‌هراسی) همزمان یا با تأخیری نه‌چندان طولانی به هر دو گروه ضربه می‌زند.

صیانت کردن هر یک از دو گروه از خود در صورت کمک به دیگری برای برخوردار بودن از نشاط در فضای امت؛ به بیان دیگر، وضعیت شیعه و سنی به گونه‌ای شده است که هر یک از دو طرف برای این که بتواند سرنوشت خود و اسلام را حفظ کند، باید با مراقبت تمام، وضعیت‌هایی را پیگیری کند